

## تذکار اشعار، تذکره منظوم صدر ضیا\*

محمدجان شکوری بخارایی

شریف‌جان مخدوم صدرضیا در ۲۷ رمضان ۱۲۸۳ هجری قمری برابر ۲۷ ژانویه سال ۱۸۴۷ میلادی در بخارا چشم به دنیا گشاده و فوتش به آخر ۱۳۵۰ تقریباً برابر آخر آوریل ۱۹۳۲ راست آمده است.

نام خود را در نوشته‌هایش بیشتر میرزا محمد شریف صدر المتخلص به ضیاء می‌نویسد. در سرچشمه‌های تاریخی، او را محمد شریف مخدوم، قاضی محمد شریف، قاضی شریف‌جان، شریف‌جان قاضی صدر نام گرفته‌اند و، در سندهای رسمی روسی زمان شوروی، شریف شکوراف می‌نوشتند. نام خانوادگی شکوراف از اسم پدر او داملا عبدالشکور صدر، که در شعر آیت تخلص داشت، گرفته شده است. در این نام، واژه «داملا» معنای ملای بزرگ دارد (دا-ده به زبان چینایی [چینی] به معنای بزرگ بوده است و واژه داملا شاید در کاشغر و اویغورستان پیدا شده بعد به ورارود و افغانستان کنونی آمده باشد). مخدوم واژه‌ای است که در بخارای سده‌های آخر به نام فرزندان علما علاوه می‌کردند. صدر عنوان علمی است که سومین (پس از اوراق و صدور) و عالی‌ترین عنوان علما به شمار می‌رفت.

صدرضیا، مانند پدرش، از جوانی با ادیبان و دانشمندان هم‌نشین بوده در حویلی (=حوالی، پیرامون) خود محفل ادبی‌ای تشکیل کرده بود و، در این محفل، شاعران،

---

\* در خصوصیات تاجیکی زبان مقاله، برای حفظ اصالت، تصرّفی نشده فقط، در موارد لازم، گونه فارسی معیار ایران درون قلاب اضافه شده است.

شعرشناسان، لطیفه‌گویان، شیرین‌کاران، علما و فضیلاي زمان صحبت می‌آراستند. اکثر اینها حق‌جوی و آزاداندیش بودند و به معارف‌پرور (روشنگر) بزرگ تاجیک، احمددانش (۱۸۲۶/۱۲۴۲-۱۸۹۷/۱۳۱۴)، پیروی کردند و در نهضت معارف‌پروری ۱۵ سال آغاز سده ۲۰، که به نام جنبش جدیدان مشهور است، شرکت گرفتند، «مکتب اصول جدید» گشادند، کتاب و روزنامه به طبع رسانیدند، اصلاحات اجتماعی و فرهنگی طلب کردند و خواستند «انقلاب علمی» برپا سازند. به این‌گناه، بسیاری از آنها، در سال ۱۹۱۸/۱۳۳۶، که در بخارا ارتجاع بالا گرفت، کشته شدند. صدرضیا به زندان افتاد و حکم‌نامه قتل او تصادفاً به اجرا نرسید. چون او را به زندان می‌بردند، دست‌نویس بعضی از نگاشته‌های او را که یک نسخه بود سوزانیدند. پس از انقلاب سال ۱۹۲۰/۱۳۳۹، که در بخارا جمهوری شوروی و حکومت پان‌ترکیستی تأسیس شد، صدرضیا، بعد از مدتی، خانه‌نشین شد و آثار نابود شده‌اش را دوباره نوشت و یا از روی پاره‌های مسوده برقرار کرد.

صدرضیا در چند رشته نوشته‌های مهم دارد، چنانچه در تاریخ بخارا و ورارود چند رساله تألیف کرده است که بعضی از آنها (ذکر سلاطین منغیته، ذکر سلطنت و پادشاهی امیرعالم‌خان مخلوع، ترجمه حال آستانه قل فوشیگی، سبب انقلاب بخارا، روزنامه) را درباره زمان زندگی خودش سرچشمه معتبر تاریخی می‌توان دانست. گروه دیگر نگاشته‌های او آثار ادبی بدیعی [هنری] و بیشتر از حکایات‌های خُردِ واقعی عبارت‌اند یعنی یادداشت و خاطرات‌اند و هرچه را که دیده است یا از شخصان معتبر شنیده است به قلم آورده است («حکایات و مطایبات معاصرین و قریب آن»، «حکایات علمای متبحرین بخارا» و غیره). به شمرد صحاب‌الدین صدیق (وفات: ۱۹۹۳)، که از پژوهشگران آثار صدرضیاست، شماره حکایه‌های (داستان‌های کوچک) صدرضیا به ۲۹۳ می‌رسد. برخی از این حکایه‌ها در نوادر ضیائیه (چاپ دوشنبه ۱۹۹۱؛ تهران ۱۹۹۸/۱۳۷۷) و آثار ضیائیه گرد آمده‌اند.

به قلم صدرضیا چند تذکره نیز تعلق دارد: تذکره‌الوزرا، تذکره‌الخطاطین و غیره حتی تذکره‌الحمقا. یکی از مهم‌ترین آثار او تذکره منظوم تذکار اشعار (۱۳۲۲-۱۳۲۵/۱۹۰۵-۱۹۰۷) است که در سال ۱۹۱۸/۱۳۳۴ سوزانده شد و پس از انقلاب (۱۹۲۰/۱۳۳۹)، از روی پاره‌های مسوده، دوباره نوشته شد که شادروان صحاب‌الدین صدیق آن را تحریر دوم

تذکار اشعار نامیده بود. در آخر عمر صدرضیا، تحریر سوم این تذکره به وجود آمد که مختصر است یعنی نمونه اشعار شاعران فروگذار شده است.

صحاب‌الدین صدیق، بر اساس چهار نسخه تحریر دوم و سوم تذکار اشعار که امروز به دسترس ما قرار دارد، یک نسخه جامع ترتیب داده بود. متن جامع تذکار اشعار از ۱۷۵ نفر که در تذکره‌های زمان ذکر شده‌اند ۴۹ نفر را انتخاباً در بر می‌گیرد. حجم متن تذکره صدرضیا ۱۴۴۴ بیت بوده؛ نمونه شعر دیگران که صدرضیا آورده است ۲۴۱۶ بیت است. متن تذکره سراسر به وزن متقارب مثنیٰ مقصور آمده است. چنان که مؤلف اشاره کرده است، تذکار اشعار، مثل دیگر آثار او، «از غیر مسوده قلمی گشته» (روزنامه، نسخه شماره ۲۲۷۷، ص ۱۳۵).

نخستین پژوهشگر تذکار اشعار پروفیسور رسول هادی‌زاده بود. از تحقیق او معلوم شد که صدرضیا، در این تذکره، درباره نویسندگان پیش‌قدم زمان، اگر چه به سیاست زمامداران وقت مخالفت کرده‌اند و از دربار امیر رانده و مجازات شده‌اند، از روی حقانیت معلومات می‌دهد<sup>۱</sup>. صحاب‌الدین صدیق به این عقیده آمد که «تذکره صدرضیا در جواب تذکره افضل و عبدی نوشته شده است»<sup>۲</sup>. تذکره افضل مخدوم پیرمستی (افضل النذکار فی ذکر الشعرا و الاشعار) در سال ۱۳۲۱/۱۹۰۴ و اثر عبدالله خواجه عبدی (تذکره الشعرا متأخرین بخارا) در سال ۱۳۲۰-۱۳۲۱/۱۹۰۳-۱۹۰۴، با سپارش امیربخارا عبدالاحدخان که عاجز تخلص داشت، نوشته شده بود و نظر دایره‌های رسمی را افاده می‌کرد و گاه ارزیابی هر دو مؤلف دور از حقانیت بود. صدرضیا در حق تذکره افضل گفته است: «غث و سمین بسیار دارد. خلاف واقع بی‌شمار محتاج تصحیح و تنقیح است»<sup>۳</sup>. این است که، به عقیده صحاب‌الدین صدیق، «سبب اساسی به تألیف تذکره شروع کردن صدرضیا... اصلاح خط‌هایی بوده است که آنها [یعنی افضل و عبدی] صادر کرده‌اند. این چنین دادن معلومات درست درباره ایجادیات و شخصیت شاعرانی بوده است که

1) Rasul Hadizade, *ystochniki k izncheniu tadjikskey literaturi vtoroy polovini 19 veka*

(مآخذهای تحقیق ادبیات تاجیکی نیمه دوم قرن ۱۹)، استالین‌آباد (دوشنبه) ۱۹۵۶، ص ۱۱ تا ۱۳۷.

۲) صحاب‌الدین صدیق، صدر ضیا و تذکره‌های او، دوشنبه ۱۹۸۷، ص ۹۷ دست‌نویس.

۳) صدر ضیا، اسامی الکتب، ذخیره دست‌نویس‌های پژوهشگاه خاورشناسی ابوریحان بیرونی (فرهنگستان علوم ازبکستان تاشکند)، دست‌نویس شماره ۲۴۴۰، ورق ۱۴۱<sup>ا</sup>.

افضل و عبدی به آنها بهای نادرست داده‌اند<sup>۴</sup>.

به پندار بنده، این عقیده صحاب‌الدین صدیق اساس دارد. در حقیقت، صدرضیا، در تذکار اشعار، اصولی پیش گرفته است که خلاف مرام عبدی و افضل است. مقصد صدرضیا ذکر همه قلم‌دستان عهد و شعر آنها نبوده است. چنین به نظر می‌رسد که مقصد اصلی صدرضیا به تأکید نشان دادن شخصیت آن ادیبان و فاضلان است که در حیات اجتماعی بیشتر فعالیت داشته‌اند و برای قوت گرفتن محتوی اجتماعی و ملی ادبیات و ماهیت روشنگری آن بیشتر سهم گرفته‌اند. بعضی از این ادبا و فضلا خیلی کم محصول بوده‌اند؛ ولی، در تذکره صدرضیا، زیاده‌تر از شاعران پرمحصول مقام پیدا کرده‌اند. نه تنها احمد دانش شاعر کم‌نویس (و بیشتر فیلسوف و نثرنویس) بود مفتی اکرام (داملا اکرامچه متخلص به اکرم) خیلی کم شعر گفته است. قاضی عبدالواحد صدرصریر، قاری کرامت‌الله دلکش، صادق خواجه گلشنی، حاجی رحمت‌الله محترم، ملا نذرالله لطفی، سیدجان مخدوم نظمی، قاری عبدالکریم آفرین (دوزخی) و چندی دیگر نیز از شاعرانی بوده‌اند که خیلی کم شعر گفته‌اند؛ ولی همه، در مبارزه اجتماعی، فعال بوده‌اند و چگونگی تلاش پیش‌قدمان زمان در شعر یا رفتار آنها بهتر افاده یافته است. از این رو، ذکر آنها در تذکره صدرضیا بیشتر جای یافته است.

البته بعضی شاعران دربار، چون ملامحمد شریف عنبر، که چندان شاعری نبود ولی به امیر عبدالاحدخان خیلی نزدیکی داشت، و بعضی کسان دیگر هم، صرف نظر از آن که شعرشان چه بوده است، به تذکار اشعار داخل گردیده‌اند. شاید برخی از آنها را صدرضیا، در حقیقت، شاعر جالب توجه می‌دانست. شعر بعضی آنها از تنزل ادب فارسی تاجیکی در سده سیزدهم و چهاردهم گواهی می‌دهد. از پدیده‌های این تنزل هم، در تذکره، نمونه آوردن لازم بود و صدرضیا آورده است و بعضی شاعران را، صرف نظر از سویه شعرشان و موقع اجتماعی یا ادیبشان، ذکر نموده است.

ولی، در تذکار اشعار، فداکاران مبارزه راه روشنگری و ترقی خواهی چنانچه احمد دانش، شمس‌الدین شاهین، عبدالقادر خواجه سودا (بی‌پول)، ابوالفضل سیرت، عبدالمجید مضطرب، عیسی مخدوم عیسی، مفتی اکرام اکرم، صدرالدین عینی، محمد

۴) صحاب‌الدین صدیق، همان، ص ۹۷.

صدیق حیرت، احمدجان حمدی، عبدالواحد منظم و مانند اینها موقع اساسی اشغال نموده‌اند. اکثر اینها امروز هم نماینده اساسی ادبیات آن دوره حساب می‌شوند. تذکار اشعار نخستین کوششی برای نگرستن به ادبیات فارسی تاجیکی بخارای آخر سده سیزدهم و سه یک اول سده چهاردهم از دیدگاه روشنگران معارف‌پرور زمان است. چنان که روزنامه صدرضیا یک نمونه روشنگری تاجیکی، یک پدیده مبارزه راه رستگاری ملی بود، تذکار اشعار نیز اساساً نتیجه کوششی در راه به کار گرفتن معیارهای تازه ترقی خواهانه در ارزیابی ادبیات زمان است و مؤلف خواسته است رویه‌های تازه ادبی را، که می‌توانند رشد بعدی ادبیات را تأمین کنند، بجوید.

صدرضیا شاید یکمین محقق باشد که در تذکار اشعار دقت اهل ادب را به سوی این مسئله کشیده است که، با رویه معارف‌پروری در ادبیات فارسی تاجیکی، «طرز نوین»، «طرز جدید»، «اسلوب تازه» پیدا شده است، «شعرنو» به وجود آمده است و شاعرانی می‌خواهند «ره شعرنو بسپرنند». در عین زمان، از شاعرانی که اسلوب کهنه دارند (چنانچه گلشنی «دهد یاد از شاعران کهن») و از رویه‌های گوناگون اسلوبی معلومات می‌دهد. این است که، در بررسی ادبیات، چشم‌انداز صدرضیا گسترشی داشته و، نه تنها مندرجه اجتماعی شعر زمان، بلکه جنبه زیبایی‌شناختی را نیز فرا گرفته است.

پس از انقلاب ۱۹۱۷ و ۱۹۲۰، صدرالدین عینی نیز، در تاریخ انقلاب بخارا (۱۹۲۰) و تذکره نمونه ادبیات تاجیک (۱۹۲۴) و غیره، به ادبیات زمان خود، از بینش‌گاه معارف‌پروران هم‌صفتش، نگاه انداخت و در راه شناخت ادبیات نوین فارسی تاجیکی قدمی جدی پیش گذاشت. دید صدرضیا، که در تذکار اشعار و دیگر آثار او ظاهر شده است، در بسیار موردها، برای عمیق رفت نظر تحقیقی صدرالدین عینی زمینه آماده ساخته بود. صدرضیا، درباره زمان و هم‌زمانان برجسته خود، نظر خاص داشت و عقیده او، که در آثارش و محفل ادبیش افاده می‌گردید، در شکل جهان‌بینی بعضی معارف‌پروران، از جمله صدرالدین عینی، نقشی گذاشته بود و حتی، در آخرین اثر بزرگ عینی که یادداشت‌ها نام دارد و سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ چاپ شده است، هم‌فکری او با صدرضیا نمایان است. تذکار اشعار، در این زنجیره ادامه‌کاری روشنگران معارف‌پرور از احمد دانش تا صدرالدین عینی، از حلقه‌های اساسی است.

